

سورة الفاتحة



عنوان

بررسی نظام تربیتی ملاصدرا

مؤلف

مهلا ثمره

استاد راهنما

دکتر سید حمید رضا علوی

استاد های مشاور

دکتر مراد یاری دهنوی

دکتر محیا رفیعی بندری

فروردین ۹۴

تقدیم

به خداوندی که مرا موجودیت بخشید و اینک این بنده، تحفه کوچکی در راه علم دارد که به خداوندش تقدیم می دارد.

به پیامبر اکرم اسلام(ص) و خاندان پاک ایشان که زندگی ام مدیون محبت آنها است.

به پدر و مادرم که تمام دارایی ام هستند.

و تقدیم به همسر فداکارم که همدم زندگی من است.

تشکر و قدردانی

شکراً لله، شکراً لله، شکراً لله.

سپاسگذارم از استاد گرامی جناب آقای دکتر علوی که در تمام دوران تحصیلم در این دانشگاه زحمات بنده را همانند پدری مهربان متقبل می شدند و امیدوارم پاداش مهربانیشان را از دستان پر مهر مادرشان حضرت زهرا(س) دریافت کنند.

هم چنین از استاد گرامی جناب آقای دکتر یاری که عاشقانه در مسیر علم قدم گذاشته اند و مصداق یک مربی واقعی برای دانشجویان دلسوزی می کنند.

هم چنین از استاد عزیز سرکار خانم دکتر رفیعی که همانند یک دوست واقعی با ریز بینی های فلسفی مرا در این مسیر همراهی نمودند.

و در نهایت از تمام اساتید محترمی که در مدت تحصیلم حقی بر گردنم دارند تشکر و قدردانی دارم.

چکیده

با توجه به اهمیت وجود یک مبناى فلسفى مستحکم در جهت ارائه مبانى، اصول، روش‌ها و اهداف تربیتى، این پژوهش، با استفاده از روش توصیفى-تحلیلى، به بررسی نظام تربیتى ملاصدرا پرداخته است. در این راستا پس از بررسی ۴ نظریه اساسى حکمت متعالیه، (اصالت وجود و تشکیک وجود، حرکت جوهرى، عاقل و معقول و نفس و قوای آن) که هر یک به نوبه خود مسائل و مشکلات فلسفى بسیارى را پاسخ گو بوده‌اند، نتایج زیر به دست آمد.

۱. در جستجوی مبانى نظام تربیتى ملاصدرا مرتبى داراى، وجود الهى و عزتمند، وحدت وجودى، تفاوت‌های اکتسابى، وجود انحصارى، حرکت کمالى، نیازمندی، ناطقیّت، تاثیر گذارى و تاثیر پذیری، قوه ذاتى تمام کمالات، حرکت وجودى، عشق به کمالات، نفس قابل رشد، بالقوه معقول بودن، تفاوت در نفوس و قوای نفس است.

۲. در جستجوی اصول نظام تربیتى ملاصدرا مریبى باید، ایجاد کردن زمینه عزت، برابری، عدل، تمایز، زمینه‌سازی برای حرکت تعالی جویانه، سخاوت در علم‌آموزى، خودآگاهى، مسئولیت، به فعلیت رساندن قوه کمالات ذاتى، تعالی دادن صفات، شناختن کمالات، رسیدن به مرحله عقل بالفعل، حریت یافتن نسبت به تعلقات مادى نفس، تعالی دادن فضایل نفس و تعالی دادن قوای کمال نفس را در خصوص تربیت متربیان مد نظر قرار دهد.

۳. در جستجوی روش‌های نظام تربیتى ملاصدرا مریبى باید، ورع و تقوا، تکریم، چشم‌پوشى کردن از خطا، چشم‌پوشى کردن از تفاوت‌های غیر اکتسابى، توجه کردن به ظرفیت، توجه کردن به توانایی‌ها، کشف کردن علاقه‌مندی کمالى، عدم چشم داشت، شناخت توانایی و ضعف، مواجهه با نتایج کار، فراهم کردن شرایط فعلیت دهی به قوه تعقل، دل‌کندن از تعلقات، شناخت نقص‌ها و کمبودها، ایجاد کردن زمینه طلب مجهول، آموزش دادن مطلوبات، تهذیب نفس، معتدل کردن قوه‌های نفس، کنار زدن حجاب‌های نفس، را در خصوص تربیت متربیان به کار گیرد.

۴. در جستجوی اهداف نظام تربیتى ملاصدرا مریبى باید، هویت و شخصیت دادن، حفظ کرامت، تعالی رتبه وجودى، تعاون و همکارى، تربیت کردن عبد واقعى، توجه به خویشتن، هوشیاری داشتن نسبت به تبعات موجودیت خود و دیگران، تعالی رتبه وجودى، صعود کردن به مراتب عالیه وجودى، شعله‌ور ساختن عشق به کمالات، عالم عقلی شدن، رسیدن به درک عقلی، تعالی منزلت، علم به مبدأ اعلی را هدف امر تربیت قرار دهد.

کلید واژگان: ملاصدرا، نظام تربیتى، مبناى تربیتى، اصل تربیتى، روش تربیتى، هدف تربیتى.

فهرست مطالب

فصل ۱: طرح کلی

- ۱..... پژوهش
- ۲..... مقدمه
- ۲..... بیان مسئله
- ۶..... اهداف پژوهش
- ۶..... هدف کلی
- ۶..... اهداف جزئی
- ۷..... اهمیت و ضرورت انجام پژوهش
- ۱۰..... سؤال‌های پژوهش
- ۱۰..... الف - سؤال کلی تحقیق:
- ۱۰..... ب - سؤالات جزئی تحقیق:
- ۱۰..... روش پژوهش
- ۱۱..... تعاریف مفاهیم اساسی پژوهش
- ۱۱..... الف - تعریف مفهومی
- ۱۳..... ب - تعریف عملیاتی

فصل ۲: پیشینه پژوهش

- ۱۶..... مقدمه
- ۱۶..... پیشینه نظری
- ۱۶..... مروری بر زندگی ملاصدرا
- ۱۸..... شهرت و منزلت
- ۱۹..... آثار

۲۲	پشتوانه فلسفی فلسفه ملاصدرا.....
۲۳	اهمیت پشتوانه فلسفی تربیت.....
۲۴	پیشینه پژوهشی.....
۲۴	پیشینه خاص.....
۲۸	پیشینه عام.....
۲۹	خلاصه و جمع بندی.....
	فصل ۳: مبانی، اصول، روش‌ها و اهداف نظام تربیتی ملاصدرا بر اساس نظریه «اصالت وجود و تشکیک در ماهیت».....
۳۱	مقدمه.....
۳۲	اصالت وجود.....
۳۳	مبنا: وجود الهی و عزتمند.....
۳۵	اصل: فراهم کردن زمینه عزتمندی.....
۳۶	روش: الف) تقوا و ورع.....
۳۶	ب) تکریم.....
۳۷	هدف: شخصیت و هویت دادن.....
۳۷	یگانگی وجود.....
۳۸	مبنا: وحدت وجودی.....
۳۸	اصل: برابری.....
۳۹	روش: الف) چشم پوشی از خطا.....
۴۰	ب) چشم پوشی از تفاوت‌های غیر اکتسابی.....
۴۰	هدف: حفظ کرامت.....
۴۱	تشکیک وجود.....
۴۲	مبنا: تفاوت‌های اکتسابی.....

- ۴۳.....اصل: عدل
- ۴۴.....روش: توجه به ظرفیت
- ۴۴.....هدف: تعالی رتبه وجودی
- ۴۵.....خواص وجود
- ۴۵.....مبنا: منحصر به فرد بودن
- ۴۶.....اصل: اصالت
- ۴۷.....روش: توجه به توانایی
- ۴۷.....هدف: تعاون و همکاری
- ۴۸.....ظهورات وجود
- ۴۹.....مبنا: حرکت کمالی
- ۴۹.....اصل: زمینه سازی برای حرکت تعالی جویانه
- ۵۰.....روش: کشف و پرورش علاقه مندی کمالی
- ۵۰.....هدف: تعالی رتبه وجودی
- ۵۱.....انواع وجود
- ۵۱.....مبنا: نیازمندی
- ۵۲.....اصل: سخاوت در علم آموزی
- ۵۲.....روش: عدم چشم داشت از مرتبی
- ۵۳.....هدف: عبودیت
- ۵۳.....شناخت وجود
- ۵۴.....مبنا: ناطقیت
- ۵۵.....اصل: خود شناسی
- ۵۵.....روش: شناخت ضعف ها و توانایی ها

۵۶	هدف: توجه به جوهره خود.....
۵۶	تبعات موجودیت.....
۵۶	مبنا: تاثیر گذاری و تاثیر پذیری.....
۵۷	اصل: مسئولیت.....
۵۸	روش: مواجهه با نتایج اعمال.....
۵۸	هدف: هوشیاری نسبت به تبعات موجودیت خود و دیگران.....
فصل ۴: مبانی، اصول، روش‌ها و اهداف نظام تربیتی ملاصدرا بر اساس نظریه «حرکت جوهری».....	
۶۰	مقدمه.....
۶۱	قوه و فعل.....
۶۲	مبنا: قوه ذاتی تمام کمالات.....
۶۲	اصل: به فعلیت رساندن قوه های کمالی.....
۶۳	روش: زمینه سازی برای فعلیت یابی قوه تفکر.....
۶۴	هدف: تعالی وجودی.....
۶۵	حرکت.....
۶۶	مبنا: حرکت وجودی.....
۶۶	اصل: تعالی صفات.....
۶۷	روش: دل کندن از تعلقات.....
۶۷	هدف: صعود به مراتب عالیه وجود.....
۶۸	علت حرکت.....
۶۸	مبنا: عشق به کمالات.....
۶۹	اصل: شناختن کمالات.....
۶۹	روش: شناختن نقص ها و کمبود ها.....

هدف: شعله ور ساختن عشق به کمالات..... ۶۹.....

فصل ۵: مبانی، اصول، روش‌ها و اهداف نظام تربیتی ملاصدرا بر اساس نظریه «عقل و

معقول»..... ۷۱.....

مقدمه..... ۷۲.....

انواع ادراکات..... ۷۲.....

مبنا: بالقوه معقول بودن مرتبی..... ۷۳.....

اصل: حریت از تعلقات مادی نفس..... ۷۳.....

روش: تهذیب نفس..... ۷۴.....

هدف: درک عقلی..... ۷۵.....

مراتب عقل نظری..... ۷۵.....

مبنا: رشد نفس..... ۷۷.....

اصل: رسیدن به مرحله عقل بالفعل..... ۷۷.....

روش: الف) زمینه سازی برای طلب مجهولات معرفتی..... ۷۸.....

ب) آموزش مجهولات مطلوب..... ۷۸.....

هدف: تبدیل شدن به عالم عقلی..... ۷۹.....

فصل ۶: مبانی، اصول، روش‌ها و اهداف نظام تربیتی ملاصدرا بر اساس نظریه «نفس و قوای

آن»..... ۸۱.....

مقدمه..... ۸۲.....

قوای نفس..... ۸۲.....

مبنا: تفاوت نفوس..... ۸۳.....

اصل: تعالی دادن فضایل نفس..... ۸۴.....

روش: معتدل کردن قوه های نفس..... ۸۵.....

هدف: تعالی دادن منزلت..... ۸۵.....

۸۶مبنا: قوای مختلف.....
۸۶اصل: تعالی دادن قوای نفس.....
۸۷روش: کنار زدن حجاب های نفس.....
۸۷هدف: علم یافتن به مبدأ اعلی.....
۸۹ فصل ۷: نتیجه گیری.....
۹۰مقدمه.....
۹۰پاسخ به پرسش های پژوهش.....
۹۲بحث و بررسی.....
۹۶پیشنهاد ها.....
۹۶پیشنهاد های پژوهشی.....
۹۶پیشنهاد های کاربردی.....
۹۷توصیه های محقق.....
۹۸محدودیت ها.....
۹۹منابع.....

فهرست جدول ها

جدول ۱-۳ مبانی، اصول، روش‌ها و اهداف نظام تربیتی ملاصدرا بر اساس نظریه «اصالت وجود و تشکیک در ماهیت»

جدول ۱-۴ مبانی، اصول، روش‌ها و اهداف نظام تربیتی ملاصدرا بر اساس نظریه «حرکت جوهری»

جدول ۱-۵ مبانی، اصول، روش‌ها و اهداف نظام تربیتی ملاصدرا بر اساس نظریه «عقل و معقول»

جدول ۱-۶ مبانی، اصول، روش‌ها و اهداف نظام تربیتی ملاصدرا بر اساس نظریه «نفس و قوای آن»

جدول ۱-۷ مبانی، اصول، روش‌ها و اهداف نظام تربیتی ملاصدرا بر اساس نظریه «اصالت وجود و تشکیک در ماهیت»

جدول ۲-۷ مبانی، اصول، روش‌ها و اهداف نظام تربیتی ملاصدرا بر اساس نظریه «حرکت جوهری»

جدول ۳-۷ مبانی، اصول، روش‌ها و اهداف نظام تربیتی ملاصدرا بر اساس نظریه «عقل و معقول»

جدول ۴-۷ مبانی، اصول، روش‌ها و اهداف نظام تربیتی ملاصدرا بر اساس نظریه «نفس و قوای آن»

جدول ۵-۷ کاربرد مبانی، اصول، روش‌ها و اهداف نظام تربیتی ملاصدرا

فصل اول

طرح کلی پژوهش

مقدمه

هر انسانی صرفاً به دلیل انسانیت میل به سمت حرکت و انزجار فطری از ثبات و درجا زدن را در خود می‌یابد، علاوه بر این هر مسلمان نیز بر اساس آیات عظیم قرآن کریم اعتقاد دارد که حرکتی رو به سمت کمال در پیش روی اوست، این نگرش، نیازی را به وجود می‌آورد که به وسیله تربیت قابل پاسخ‌دهی است؛ از دیرباز مسائل تربیتی مورد دغدغه همه اندیشمندان بزرگ جهان بوده است، از این رو اندیشمندانی چون سقراط^۱، افلاطون^۲، بوعلی، شیخ طوسی، روسو^۳، دیوئی^۴ و... هر کدام با توجه به نظام فکری و بنیادهای فلسفی (هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی و ارزش‌شناسی) و علاوه بر این وابسته به توان فکری و زمان و مکان خاص خود نظام‌های منسجمی باهدف تربیت افراد ارائه داده‌اند؛ که هر نظریه‌ای در زمان و مکان خود مشکلات بسیاری را حل نمود و گره از کار بشر گشود و همچون گنجینه‌ای درخشید.

دیرزمانی است که بر اساس رویکرد استنتاجی برای هر امری پشتوانه فلسفی قابل‌انتظار است، این امر گستره وسیعی داشته و هیچ حدودمرزی به خود راه نمی‌دهد به گونه‌ای که هنر، سیاست، حقوق، جامعه و همه علوم را دربرمی‌گیرد، همان‌طور که گفته شد تربیت نیز یکی از امور مهم جهان امروز است که اهمیت به سزایی داشته است و مبانی فلسفی موجبات استحکام‌بخشی و غنا دهی به این امر را سبب می‌شود با توجه به تأثیر بسیار زیاد ریشه‌های فلسفی در همه علوم این پژوهش سعی بر آن دارد تا با تکیه بر اندیشه صدرالمتهالین شیرازی که یکی از فلاسفه سرزمینمان است مبانی فکری امر تربیت را استخراج نماید تا بدین وسیله موجبات تدوین مبنا، اصل، روش و هدف تربیتی که بر یک مبنای ایرانی-اسلامی تکیه کرده است پدید آید.

بیان مسئله

در طول زندگی بشر، نقص، نیاز را پدید آورده و نیاز حرکت به سمت تأمین آن را ایجاد کرده است، بر طبق این سخن، نقص در رفتار و اخلاقیات نیاز به تربیت را به وجود آورده است و بشر از ابتدای خلقت با اندیشیدن در پی رفع این نیاز برآمده است، هالینگ دیل^۵ معتقد است: «فلسوفان باید توانایی یافتن معنا در مبرم‌ترین پرسش‌های زندگی را داشته باشند و اگر نتوانند معنایی برای این پرسش‌ها پیدا کنند ایراد بزرگی

¹ Socrates

² Plato

³ Rousseau

⁴ Dewey

⁵ Hollingdale

متوجه فلسفه خواهد بود چراکه فلسفه جلوه‌گاه تفکر انسان و حداکثر توانایی ممکن فکر اوست» (هالینگ دیل، ترجمه آذرنگ، ۱۳۸۷، ص ۶۳).

در اثر گذر زمان و گسترش فهم‌ها نیازهای جدید به وجود می‌آمد که انسان را در مسیر کشف راه‌حل مسئله می‌انداخت برای مثال اگرچه در دوران ابتدایی تاریخ تربیت افراد تحت هدف خاصی انجام نمی‌شد و تربیت منحصر در یادگیری راه و رسم کار و یا مهارت ارتباط با افراد محدود، در محیطی خاص بود (علاقه بند، ۱۳۹۰)؛ اما امروزه پیچیدگی و گستردگی امور و ارتباطات که جهان وسیع را به دهکده جهانی مبدل ساخته امر خطیر تربیت را هرروز پیچیده‌تر می‌نماید، پاسخ‌دهی به این نوع پرسش‌ها از فلسفه انتظار می‌رود زیرا «فلسفه، پژوهشی تخصصی در جهت رفع نیازهای مردمی است، نیازهایی اساسی، از جمله نیاز به شرح و توضیح مانند کودکان و نیاز به انتخاب و گزیدن زیرا در پشت هر انتخابی نوعی اقتناع وجود دارد که از فلسفه برمی‌آید» (هالینگ دیل، ترجمه آذرنگ ۱۳۸۷، صص ۱۳-۱۴).

در زمان حاضر اگرچه مکاتب فلسفی غنی چون ایده‌آلیسم^۶، رئالیسم^۷، پراگماتیسم^۸ و... وجود دارند اما به دلیل ایرادات وارده بر آنان نمی‌توان از این مکاتب به‌عنوان ستونی مستحکم در برابر تمامی خواسته‌ها و نیازهای جدید استفاده نمود چراکه، به‌مرورزمان بر هر کدام ایراداتی وارد شده است، از جمله عواملی که منجر به ناکافی و ناقص شمردن آن‌ها شده است نظریه نقادی^۹ است که البته خود این نظریه نیز به دلایلی دچار بحران شده است (رستمی نسب، ۱۳۸۸).

بنابراین باید توجه داشت که هر فلسفه‌ای اگر چه مبانی مستحکم داشته باشد همانند مثال‌هایی که در سطر بالا ذکر شد، اما با این توصیف با توجه به محدودیت‌هایی چون زمان، مکان و... ایراداتی بر آن نظریه وارد می‌شود که ناشی از زمان و مکان متفاوت بستر رویش آن اندیشه و هم‌چنین زمان و مکان کاربرد آن نظریه است که خاصیت و کارایی ناب و منحصر به فرد آن نظریه در زمان و مکان مخصوص خود را نشان می‌دهد.

برای مثال فلسفه سنتی^{۱۰} مانند ایده‌آلیسم به دلیل توجه محض به ماوراءالطبیعه و اهمیت ندادن به طبیعت موردنقد واقع شده است علاوه بر این دیوئی اگرچه پیشرفت گرا است اما معتقد است که پیشرفت گرایان^{۱۱}

⁶ Idealism

⁷ Realism

⁸ Pragmatism

⁹ Theory of Criticism

¹⁰ Traditional philosophy

صرفاً در مقابل مدارس سنتی و عملکرد آن‌ها عکس‌العمل نشان داده‌اند و هیچ فلسفه تربیتی خاصی که بتواند خلأهای موجود را پر کند ارائه نداده‌اند و در نهایت این مکتب به‌نوعی رویاپردازی کودکانه گره خورده است (گوتک، ترجمه پاک‌سرشت، ۱۳۹۱) و حتی قبل از این سخن، دیوئی، ایده آلیسم، رئالیسم و تومیس را تجربه ناپذیر و به همین دلیل تحت تأثیر حلقه وین که تنها امور تجربه پذیر را علم می‌دانستند از حیطة علم خارج می‌داند، فلسفه‌های دیگر نیز به دلیل ایرادات وارده که از مجال این بحث بیرون است مورد نقد قرار گرفته و هیچ کدام کامل محسوب نمی‌شوند. این روال همیشه در جهان جاری و ساری بوده و جزء قانون طبیعت محسوب می‌شود، از همین روست که خداوند قرآن را به گونه‌ای نازل کرده که بتواند در همه زمان‌ها جوابگوی تمامی نیازهای انسان باشد.

برای حل این مسئله باید آن را از دو بعد مورد بررسی قرارداد اول اینکه: باید توجه داشت که هر اندیشمندی پایه‌های نظام تربیتی خود را بر مبنای اصول خاصی بنا می‌کند و هدف معینی را نیز برای پویندگان نظام خود تعیین می‌نماید باید نگاهی منصفانه داشت و متناسب با اهداف نظام مطرح شده، آن را بررسی کرد که اگرچه به نیازهای جدید پاسخ نداده اما چون فرد را در قالب زمان و مکان خود به هدف تعیین شده رهنمون ساخته است ارزشی نسبی در زمان خود داشته است و سؤال جدید از آن جهت که دغدغه آن اندیشمند نبوده، پاسخی ندارد و این به‌دوراز انصاف است اگر از کسی پیشگویی نیازهای آینده را خواهان باشیم.

علاوه بر این باید در نظر داشت که «فیلسوف تنها مخاطبانش را فرامی‌خواند تا خود فیلسوف شوند، فرامی‌خواند تا زیستن در پرتو فلسفه را بیاموزند و اندیشه‌های فرد را به شیوه‌ای فلسفی نظم بخشد» (هالینگ دیل، ترجمه آذرنگ: ۱۳۸۳، ص ۱۶)؛ بنابراین «در فلسفه، نتیجه‌ای که همه فیلسوفان درباره آن هم رأی باشند وجود ندارد» (همان، ص ۱۵). همان‌طور که جبران خلیل جبران (۱۳۸۴) می‌گوید: «بینش یک فرد بال‌های خود را به دیگری نمی‌دهد و همان‌گونه که یکایک شما در دانش خداوند تنها هستید یکایک شما در دانش خود از خداوند و در دریافت خود از زمین تنها خواهید بود» (ص ۸۹).

با نگاهی به جهان امروز این امر به‌وضوح قابل‌رؤیت است که بسیاری از امور مدیون گذشته درخشان خود است، تربیت نیز از جمله اموری است که گذشته بسیار مؤثری داشته است و نکته قابل‌توجه مرییان تربیتی‌اند که گستره تأثیر زیادی داشته‌اند و از حدود مرز سرزمین خود خارج شده و افکار خود را به سراسر

¹¹ Oriented development

جهان صادر نموده‌اند اگرچه این پدیده قابلیت تفکر و خاصیت امور تعقلی است اما باید توجه داشت که هر سرزمین بستر رویش اندیشه است و نباید از این امر خطیر غافل بود. شایسته است که پژوهشگران کشورمان در پی جستجو مبانی مستحکم فکری برای امور تربیتی باشند تا بتوان مبنای فکری ایرانی اسلامی که با تمام موازین سرزمینمان هم‌خوانی داشته باشد ایجاد نماییم، خلأ بررسی چنین امری محقق را بر آن داشت تا از گنجینه‌های طلایی سرزمینمان استفاده نماید و فرهنگ خود را بیش از گذشته پاسدار باشیم و میراث دار خوبی برای این گنجینه محسوب شویم.

یکی از فلاسفه معاصر جهان اسلام صدرالمতلهین شیرازی است که با نگاه ژرف خود تحولی عظیم بر پیکر فلسفه ایجاد کرد، به نحوی که پاسخگوی بسیاری از نیازهای زمان خود و آینده بوده و خواهد بود (خامنه‌ای، ۱۳۸۳). مبانی ایرانی - اسلامی ملاصدرا آنجا آشکارا رخ می‌نماید که: اندیشه‌های صدرایی توانست است گره کور بسیاری از مسائل زمان خود را بگشاید، صدرا موفق شد تا با مطالعه و تعمق بسیار از ابتدای تحصیل بر مکاتب فلسفی و عرفانی و کلامی موجود در زمان خود و در کشورش به جدال چندین و چندساله میان عرفا، فلاسفه و متکلمین درباره حقیقت، پایان بخشد (همان، ۱۳۸۳) و هر سه را به وسیله وحی باهم پیوند دهد. صدرا بنیان قوی فکری ادغام‌شده از یونان، ایران باستان و اسلام را در گنجینه قلب خود ایجاد کرده بود که همین امر موجب قوت این فیلسوف در بین سایر فلاسفه شد و تاکنون نیز اندیشمندان بسیاری در تکاپوی فهم و برداشتن حجاب از اندیشه‌های وی می‌باشند.

صدرالمتلهین شیرازی با توجه به گستره فکری و اندیشه‌اش این قابلیت را دارد تا در زمینه‌های مختلف مبنای فلسفی قرار گیرد علاوه بر این هانری کربن (۱۳۸۸) اظهار دارد که: «حیات فلسفه اسلامی سه و نیم قرن بر گرد او می‌چرخیده است» مبنای فلسفی مستحکم جهت غنا بخشی به فرهنگ و تمدن می‌شود، احساس چنین خلایق در سرزمین کهنی که بالقوه از این امر بهره‌منداست موجب شد تا محقق به بررسی این امر بپردازد.

در نظام فکری صدرا بیشتر به الهیات پرداخته شده و طبق سخن ملاصدرا (۱۳۷۸) اعتقاد او بر آن است که علم الهی اصل است و بقیه علوم عوارض ذاتی آن محسوب می‌شوند. این نوع نگاه اتصال به وحی را بیش از پیش اثبات می‌نماید و در مقام اثبات عالم و معلوم، شناخت هر امری را در پرتو شناخت خداوند می‌داند و این امر یکی از نشانه‌های اسلامی بودن این فلسفه است به نحوی که گفته می‌شود «اسفار، اثر عظیم ملاصدرا و جامع فلسفه ایران شیعی است» (نصر (به نقل از هانری کربن)، ۱۳۸۲، ص ۹۲). با تکیه بر

دو کلمه ایران و شیعی از یک تاریخ‌دان غربی، شاید بتوان انتظار نظام تربیتی ایرانی - اسلامی را به ذهن نزدیک‌تر کرد و در جهت محقق نمودن آن تلاش نمود.

فضای کلی حاکم بر فلسفه اسلامی به دلیل تخصصی نشدن علوم یک فضای کلی و جهان‌شمول است، فیلسوف اسلام دغدغه وجود دارد و این وجود را در نهایت به وجود مطلق و خدا منتسب می‌کند، به عبارتی فضای فلسفه اسلامی یک فضای بسیار کلی بوده است که با انتساب همه پدیده‌ها به خداوند و جاری شدن نور الهی در جهان هستی مندان، هستی مند می‌شوند و به همین دلیل این علم را مادر همه علوم می‌دانند، بنابراین فیلسوف اسلامی همواره از هستی سخن می‌گوید و هستی‌شناسی مهم‌ترین بخش اندیشه وی را تشکیل می‌دهد و به تبع آن بحث انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی و ارزش‌شناسی نمود پیدا کرده و به دنبال یکدیگر آورده می‌شوند، در این پژوهش نیز با توضیح هستی‌شناسی به سمت انسان‌شناسی می‌رود و این گونه مبحث را به تربیت متصل می‌گرداند، البته در این بین مبانی ارزش‌شناسی و معرفت‌شناسی که ارتباط تنگاتنگی با مباحث تربیتی دارند نیز مورد توجه قرار می‌گیرند.

همان‌طور که گفته شد تربیت امری ارگانیک است و به نوعی یک سیستم پیچیده محسوب می‌شود برای فهم راحت‌تر یک سیستم باید اجزاء آن را تجزیه کرد و به‌طور جداگانه بررسی نمود، از این رو نظام تربیتی که شامل بخش‌های متعددی است را باید مورد تحلیل قرارداد تا نیل به هدف میسر شود، هر نظامی دارای چهار بخش اساسی؛ مبانی، اصول، روش و هدف است که چارچوب اصلی سیستم را پدید می‌آورند و هر قدر که این پایه‌ها مستحکم باشند به استحکام بنای استوار بر آن یعنی سیستم مورد نظر می‌افزاید.

باید دقت داشت که مبنا بر پایه علوم نظری صادر می‌شود و سپس بر اساس آن اصل و روش که عمدتاً جنبه کاربردی دارند از آن استخراج می‌گردد و البته هدف نیز با توجه به مبنا مطرح می‌گردد که محور اصلی گردش اصل و روش را تعیین می‌نماید و هر آنچه از حیطه هدف خارج باشد را درون سیستم راه نمی‌دهد (باقری، ۱۳۸۸)، جدای از وجود این بخش‌ها هر سیستمی ابعاد خاص خود را پیدا می‌کند که کارکرد سیستم را به صورت بسیار جزئی و ملموس تر نشان می‌دهد از جمله: بعد جسمانی، بعد دینی، بعد عقلانی، بعد اجتماعی، بعد عاطفی که مستقیماً با روش و اصول مرتبط می‌گردند و نسبت به بخش‌های اصلی جنبه کاربردی بیشتری دارند.

با توجه به محدودیت زمانی بررسی تمام موارد ذکر شده در چنین پژوهشی امکان‌پذیر نیست، از این رو در این پژوهش سعی بر آن است تا مبادی آراء ملاصدرا مورد تعمق قرار گرفته و در اثر تجزیه و تفکیک

اجزاء اصلی آن به سمت نگارش و تدوین مبنا، اصل، روش و درنهایت هدف تربیتی حرکت نماییم؛ بر اساس گفته هانری کرین (۱۳۸۸) مبادی آراء ملاصدرا از چهار مبحث پیشینیان عدول کرده است و آن چهار مبحث عبارت‌اند از وجود و تشکیک، حرکت جوهری و تغییر جوهر در جهان، علم و رابطه عالم و معلوم و مبحث آخر نفس، قوای نفسانی و تکوین و کمال معاد آن است.

از این رو در این پژوهش این چهار مبحث اصلی محسوب شده‌اند و با استفاده از تبعات این اصول و اصول متفرع از آن به وادی تربیت پلی زده شده است تا نمای کلی از نظام تربیتی ملاصدرا در نزد خواننده پدید آید و چه بسا شوق به پژوهش در حیطه‌های دیگر این نظام تربیتی را برای تدوین یک نظام تربیتی گسترده پدید آورد. بدین جهت این پژوهش سعی بر آن دارد تا به این مسئله پاسخ دهد که مبانی، اصول، روش‌ها و اهداف نظام تربیتی ملاصدرا کدام‌اند؟

اهداف پژوهش

هدف کلی

هدف کلی این پژوهش ترسیم نمای کلی نظام تربیتی ملاصدرا را شیرازی است.

اهداف جزئی

این هدف به چهار هدف جزئی تجزیه می‌گردد:

۱. بررسی مبانی، اصول، روش‌ها و اهداف نظام تربیتی ملاصدرا بر اساس نظریه «اصالت وجود و تشکیک در ماهیت».
۲. بررسی مبانی، اصول، روش‌ها و اهداف نظام تربیتی ملاصدرا بر اساس نظریه «حرکت جوهری».
۳. بررسی مبانی، اصول، روش‌ها و اهداف نظام تربیتی ملاصدرا بر اساس نظریه «اتحاد علم، عالم و معلوم».
۴. بررسی مبانی، اصول، روش‌ها و اهداف نظام تربیتی ملاصدرا بر اساس نظریه «نفس و قوای آن».

اهمیت و ضرورت انجام پژوهش

برای کشف بسیاری از رموز تعمق، لازمه کار و کلید فهم است از آنجاکه این پژوهش با محوریت ملاصدرا کار خود را انجام داده است؛ لازم است در جهت ضرورت بررسی نظام تربیتی ملاصدرا، غور

مناسبتی در زندگانی او انجام شود تا با آشکار شدن جنبه‌های برجسته زندگی، شخصیت و نظریات وی در جهت اثبات ضرورت این پژوهش برآییم.

صدرالدین شیرازی شاگرد شیخ بهاء‌الدین (که دانش او در فقه، تفسیر، حدیث، ریاضی، نجوم و ... باعث شده بود که در آن زمان مردمان از او شخصیتی اساطیری بسازند) و هم‌چنین میرداماد و میرفندرسکی بوده و از محضر آن بزرگواران فیض کامل را برده است، علاوه بر شاگردی در محضر اساتید به نام آن روزگار، استعداد، فکر قوی، اطلاعات گسترده در علوم عقلی و منطقی و عرفان و خلاقیت خاص، او را متمایز از سایر افراد قرار داده است (خامنه‌ای، ۱۳۸۳). خصوصیات شخصیتی وی را می‌توان در چند بعد بررسی کرد:

از لحاظ روان‌شناختی و اخلاق و روح تربیت‌شده دینی و وارستگی او.

از حیث دانش گسترده و داشتن تمام علوم زمان خود، به ویژه فلسفه و عرفان.

از جهت موقعیت عالی اجتماعی وی، علی‌رغم دشمنی افراد حسود و کم‌مایه یا مغرور.

از لحاظ نقش او در احیاء و ترویج فلسفه و بالا بردن موقعیت فلسفه در حال زوال در ایران و فلسفه اسلام.

از جهت پرکاری و ارزش علمی و کیفی و کمی تألیفات.

از لحاظ شجاعت علمی و نوآوری و دفاع از افکار خود.

از دیدگاه وابستگی مذهبی در ایمان دینی.

از لحاظ خلاقیت و روح خلاق، قدرت استنباط مطالب دیگران، قدرت استدلال و شهود و اشراق در کنار

هم (همان، صص ۴۳-۴۴).

شیوه زندگی او مسیر حیات را بر او مشخص نمود و به وضوح می‌توان لمس نمود که از دوره آموزشی و تربیتی، انضباط فکری و سپس از دوره گوشه‌نشینی در کهک، شهود عرفانی را توشه خود قرار می‌دهد و دوباره به سوی خلق بازمی‌گردد تا بتوان مدعی شد که شاید او تمام مراحل اسفارش را پشت سر گذاشته است و همان حکیم متأله است که سهروردی می‌گوید در واقع به همین دلیل است که «برترین لقب ممکن